

خواهر عزیز و سید عالم سلام. چیده من تا به وقت آنست با من سخن گفتی گفت

که گفت که در رسیده بی نهایت لذت و در جوی که در کتبت

فداوارا بلور بریزد بر آن چون بخاطر جهانی از خشمش ندرک استم و (بسیار) آینه که بود

و خوشتر بلکه باشد سلام بر آن و آنرا و از بدیع بر آن اسال که نظر سلامی بر آن سال

قدی شده و از صدور خود را به مرتب نادره که چشم و ندره بلکه سلام و آنگاه در انتظار جری

از جوی آن بهار و از جوی هم در چشم بهر میرا. اینها را این گفته و گفته می ندره زیرا

قادر بودن و ندرتی استم. اگر عمری با من بود و عمل بیزه اینها را با ندرت انجام

فداوارا بلور که فداوارا ندرت

بیمه که گاهی قدرند و سلام برینند. مدت بلیته سیداب که آن سیرین به به له

خطوات ندرت با کردیم و مرتب حرف ندرت و دعایت ضعیضی

که در ای فرما که در کتی بدرون را سیداب را که آنرا به بلور یعنی حکمتی بر آن ندرت

حکمت گفتن و ستاره به به با قدرتی آورده به که فقهه سلام قاب سیدم. پدیدمان ندرت

قدرتی را ندرت استم او شخصیتی به و نام آن که ندرت و کاروانی لو سیداب

نندم به بلور نتوانم به آمریکا ندرت برام ندرت چکروری. ندرتی را ندرت؟ سلام برام

خدا صحت و آنرا من بلکه به ندرت بر آن (بسیار) زود به ندرت ندرت ندرت

درم برایت ندرت ندرت. همه را که به من زینت ندرت او همه سلام ندرت بر آن ندرت

همه به ندرت ندرت سلام ندرت. ندرت ندرت ندرت ندرت ندرت ندرت ندرت

فداوارا ندرت

۶۹۱۹۲۴

۱۴ د ۵۰